

## مروری بر تذکرة المعاصرین حزین

محمد قهرمان\*

چکیده

تا سال ۱۳۷۵ چاپ منقّحی از تذکرة المعاصرین حزین در دست نبود. در این سال، به مناسبت برپایی کنگره بزرگداشت شاعر، چند اثر او تصحیح شد و به طبع رسید. از جمله آنها تذکرة حزین بود که با تصحیح و تعلیقات خانم معصومه سالک و زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب انتشار یافت. متأسفانه طبع اخیر هم به علت و فور اغلاط - به خصوص در اشعار - دست کمی از چاپ کتابفروشی تأیید اصفهان ندارد.

این کتاب در همان سال انتشار به دستم رسید. آن را با علاقه در مطالعه گرفتم، اگر چه هر چه پیشتر رفتم دلسردتر شدم، مع هذا اشتباهاتش را در حدّ توان به اصلاح آوردم و در حواشی یادداشت کردم. پس از مطالعه این نوشته با بنده هم عقیده خواهید شد که تذکرة حزین باید بار دیگر پیراسته تر - و حداقل کم غلط تر - به چاپ برسد.

کلیدواژه: تذکرة المعاصرین حزین، اغلاط، خطا، صواب.

ابتدا به کلیّات می پردازم تا بعد به جزئیات و سپس اغلاط برسم. خانم سالک برای تصحیح تذکرة از دو نسخه موزه ملی پاکستان با نشانه (پ) و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با نشانه (ت) استفاده کرده اند. پ و ت به سبب تشابه صوری، یا اندکی مسامحه، می توانند در چاپ بدل به هم شوند. بهتر بود نسخه کتابخانه مرکزی را مثلاً با نشانه (م) مشخص می کردند و نیز حق بود طبق معمول در

حواشی، نشانه هر دو نسخه ذکر می‌شد. گرچه گفته‌اند آنچه در حاشیه به عنوان نسخه بدل آمده، منقول از نسخه (پ) است، اما این وضع، گاه خواننده را سرگردان می‌کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که ایشان ابیات اضافی نسخه پ را به حاشیه برده‌اند، باید آنها را داخل متن می‌کردند و در حاشیه توضیح لازم را می‌دادند.

معمول آن است که مصحح کلمات افزوده از خود را در قلاب می‌گذارد، ولی در اینجا کلمات اصلاح شده از نسخه پ را - که نسخه بدل بوده است - در قلاب گذاشته‌اند. مع هذا چه بسیار در حواشی به مواردی از این دست برمی‌خوریم که منقول از صفحه ۱۴۰ است: قطع پیوند ز زلف تو محال است [محال]<sup>۵</sup>

و در حاشیه چنین آمده: ۵ - محال است محال. در نسخه ت، "محال است مرا" ذکر شده است.

بگذریم که "محال است مرا" شاعرانه‌تر و فصیح‌تر است، ولی اگر ایشان نشانه نسخه‌ها را در حاشیه آورده بودند، می‌توانستند به سادگی بنویسند: ت: محال است مرا، و یا از آن هم خلاصه‌تر: مرا. و حواشی پر از این گونه دراز نویسی‌هاست. یک مثال دیگر، در حاشیه صفحه ۱۳۴ می‌خوانیم: «به مصاحبت صدقا و افاده معارف سپری ساخت.» جمله‌ای این چنین مفصل که به تمامی آمده است، تنها یک "به" کم داشته. یعنی در نسخه ت چنین بوده: به افاده.

خانم سالک به تذکره حزین چاپ کتابفروشی تأیید اصفهان مراجعه‌ای نداشته‌اند، حال آنکه این طبع در عین مغلوط بودن، می‌تواند گاه راهگشا باشد. به عنوان مثال، در چاپ ایشان ذیل احوالات نجیب کاشانی از زبان حزین می‌خوانیم که در زمان بیماری «چند دفعه باراقم ملاقاتی شد» در صورتی که در چاپ اصفهان مُلاقی آمده و همان درست است.

در صفحات ۱-۲۴ مصحح ضبط متن و برخی از اشعار دو نسخه را با هم سنجیده و وجه درست را نشان داده‌اند، اما دانسته نیست چرا برخلاف نظر خودشان که قرار بوده است فقط مواضع اصلاح شده از نسخه پ را در قلاب بگذارند، به چنین مواردی برمی‌خوریم:

در حسن صورت و مهارت... پس از تصحیح از نسخه پ این گونه شده: [در حسن صوت] و...

در پایان صفحه ۲۱، به ضبط درست نسخه ت اعتنا نکرده و با استفاده از نسخه پ دست به تصحیح زده‌اند. بیت این بوده است:

کشیدم محنت از جانان و دیدم سرگرانی هم

وفا نگذاشت کز کویش برانم، ناتوانی هم

و به این صورت در آمده:

وفا نگذاشت [از کوی تو رفتن] ناتوانی هم

بر هر که اندک ذوقی داشته باشد پوشیده نیست که با وجود کلمه "جانان" در مصراع اول، "نو" در مصراع بعدی نامناسب و بی‌جاست. خوشبختانه در متن کتاب، ضبط نسخه ت آمده است. ضمناً باید اشاره کرد که "برانم" غلط است و تحریف "برآیم" بوده. در سطر ۱۱ صفحه ۲۲، "اشراف" غلط و "اشرف" صحیح است. آخرین مورد را بگویم و از این بحث در گذرم. در همان صفحه ۲۲ این بیت از میرزا محسن تأثیر آمده است:

گره به کار نیفتد گشاده رویان را ندیده قفل کسی پره بیابان را  
در نسخه پ به جای "پره"، "بره" بوده است و مصحح محترم همین وجه را گرفته و بیت را از معنی انداخته‌اند. شاید اصطلاح عامیانه "بر بیابون" ایشان را به اشتباه انداخته. "پره بیابان" به معنی "دامن بیابان" است و شاعر به ایهام، به پره که جناح آهنین قفل است نیز توجه دارد. این را هم نگفته نگذارم که گاه ضبط حاشیه بر متن مرجح است.

\*\*\*

خانم سالک خواسته‌اند یک رونویس کننده متعهد و پایبند به متن بمانند، تنها گاهی چند کلمه از نسخه بدل را به متن برده یا از متن به حاشیه انتقال داده‌اند. ما هیچ‌گونه اصلاح و اظهار نظری از خود ایشان نمی‌بینم. پس این متن در حقیقت یک رونویسی ساده است با اغلاطی که بیش و کم به آن اضافه شده. بر این کار نمی‌توان واقعاً نام تصحیح گذاشت.

ایشان در دو سه مورد در حاشیه نوشته‌اند که بیت از نظر وزن و معنی در هر دو نسخه مغشوش است، و اتفاقاً چنین نیست. علت آن وجود یک اشتباه جزئی کتابتی و یا اصولاً غلط خوانی بوده است.

در خاتمه باید افزود که مصحح «به» را به دو صورت متفاوت نوشته‌اند، یعنی گاه جدا از کلمه و گاه متصل به آن.

و اما آنچه به چاپ مربوط می‌شود: اولاً در گذاشتن همزه بسیار امساک شده است و این گونه کلمات به وفور به چشم می‌آید: نقاوه سعادت‌مندان، حلیه نور... ثانیاً تشدیدها نیز گاهی نابجا نشسته است، بخصوص در مورد ملاً و علامی که همه جا به صورت ملاً و علامی در آمده. (۱)

### اغلاط مقدمه کتاب

صفحه / سطر	خطا	صواب
۱۶/۹ (فهرست کتاب)	مرحوم میرنجات	در فهرست، ذکر مرحوم، بی‌معناست.
۶/۱۴	تصوّر کرده	ظ: تصوّر کرد
۲۰/۲۴	خود غلط، معنی غلط...	صورت صحیح را در جای خود در اغلاط متن خواهم آورد.
۱۶/۳۳	ایهام	ایهام
۲۰/۳۳	هر مرغکی را	را زاید است
۱۹-۱۷/۳۸	نشاء	در هر دو مورد باید به: نشأه اصلاح شود.
۴/۴۲	گانپور	کانپور
۳/۴۳	شیخ خلیل...	ظ: شیخ جلیل...
۱۰/۵۰	زن و فرزند و دوستان	زن و فرزند دوستان (حزین خود زن و فرزند داشته است)
۱۸/۵۱	طهماسب قلی خان	شاه طهماسب دوم درست است. طهماسب قلی خان، لقب نادر بوده، قبل از جلوس به تخت سلطنت.
۱۸/۶۰	فایده چنان	ظ: فایده چندان
۱/۶۲	امشب صدای تیشه...	این بیت از حزین نیست و از خوشگوست. مصحح به نظر آقای دکتر شفیعی کدکنی که خود در حاشیه آورده، توجّهی نکرده است.

۱. اگر این تذکره با اعمال اصلاحات بنده تجدید چاپ شد، می‌توان بر پشت جلد و صفحه عنوان آن نوشت:

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

معصومه سالک

همراه بازننگری محمد قهرمان

صواب	خطا	صفحه / سطر
از بدایت	از ابدیت	۱۱/۶۴
کانپور	گانپور	۲۱-۱۹-۲/۶۶
ظ... [شب و] روز	به اسب اشهب وادهم روز	۱۷/۷۴
باستان...	باستان نامه‌ها	۸/۷۸
باچگزار	باچگزار	۱۲/۷۸
کشیده در	کشید در	۱۶/۷۹
در نیافتم که علائم! و؟ برای چیست. دام، یک چهلّم رویه بوده است.	مبلغ لک جید (جید)؟! گرفت.	۱۳/۸۱
جمله نامفهوم است.	گوی از میدان گلستان (!) می‌ریاید	۱۴/۸۲
کهنه دمن	کهنه و من	۱۹/۸۳
ظلمت و نور [و] عدم	ظلمت و نور، عدم	۲/۸۷
فایحه (= خوشبو اصلاح از چاپ اصفهان)	فاتحه	۳/۸۸
غبار عتبه احمدی (مانند حاشیه)	غبار احمدی	۴/۸۸
شان (قرینه آن، مکان است)	شان	۷/۸۸
تنگ...	تنک عرصه‌تر	۹/۸۸
وجهه همت	وجه همت	۱۰/۸۸
منتسبان (به قرینه مترسمان و متشبّهان)	منتسبان	۱۰/۹۰
به جدی	به حدی	۱۶/۹۰
این مصراع از طغرای مشهدی است و صورت صحیح آن - با پیش مصرع - چنین است: ترسم از حرف غلط کاری، شود در نامه‌ام خط غلط، انشا غلط، املا غلط	خود غلط، معنی...	۱۱/۹۲
پستی پایه	پستی پایه	۲۰/۹۲
خود [و] در	خود در	۱۱/۹۳
عدد [و]	عدد	۱۳/۹۳
ظ: [به] انخراط	انخراط	۱۶/۹۳
نمی‌گرداند، (و سطر بعد در دنباله آن بیاید)	می‌گرداند.	۱۷/۹۳
بود و دلیل (مطابق چاپ اصفهان)	بود دلیل	۱۹/۹۳
نمانند، (و جمله بعد باید به دنبال آن بیاید)	نمانند.	۷/۹۴
نگردد، (و جمله بعدی باید در پی آن بیاید)	نگردد.	۱۳/۹۴
سبکی دارد	سبکی دارد	۳/۹۵
(باید سر سطر بیاید، دنباله جمله قبلی است)	چون در	۵/۹۵
هنگام تسوید، مسوده شعر	هنگام تسوید مسوده، شعر	۹/۹۵

## اغلاط متن کتاب

صواب	خطا	صفحه / سطر
روضه رضوان (مطابق چاپ اصفهان)	روضه خوان رضوان	۱/۱۰۳
تا آنکه	با آنکه	۸/۱۰۳
شاید: نخل طرب	نخل طلب	۳/۱۰۴
توفان زده‌ای	توفان زده	۵/۱۰۴
شان سخن (به الفاظ سلطان و جان هم توجه کنند)	شان سخن	۵/۱۰۵
غیر ذلک. از	غیر ذلک از	۱۲/۱۰۶
می پیچد	می پیچید	۱۱/۱۱۱
مثوبات [کرده]	مثوبات	۲/۱۱۲
انشاء شعر	انشا و شعر	۹/۱۱۲
شاید: زخانه	به خانه	۲/۱۱۳
زین واقعه نیز تواند بود	این واقعه	۱۷/۱۱۴
زالال چشمه انفس (ضبط حاشیه مرجع است)	زالال انفس	۹/۱۱۶
بی سواد دبستان	بی سواد و دبستان	۱۱۶ / آخر
با والد این (والدین در اینجا خالی از رکاکت و قباحات نیست. حتماً غلط کاتبان بوده است)	با والدین	۱۳/۱۱۸
دریوی	وزیوی	۷/۱۱۹
فرموده	فرمود	۶/۱۲۰
زاید است	منه	۱۷/۱۲۲
زاید است (هر سه بیت از یک غزل است)	وله	۱۹/۱۲۲
سراییم (بیت از مولانا صائب است و حزین به اشتباه آن را به این شاعر نسبت داده)	سرایم	۲۰ / ۱۲۲
انشاء (یا: انشای شعر)	انشاشعر	۱۲۳ / آخر
زاید	وله	۱۳/۱۲۴
شمع هر	شمع و هر	۱۴/۱۲۷
نمی زнім	نمی زنم	۱۴/۱۲۷
قبای می داشتم	قبای می داشتم	۱۲۷ / آخر
رشیقہ دارد (با استفاده از حاشیه که شیفته دارد ضبط کرده است)	رشیقہ	۱۲۸ / آخر
برافشانی	برافشانی	۱/۱۲۹
زاید است	وله	۹/۱۲۹

صواب	خطا	صفحه / سطر
فرعون	فرعون	۲/۱۳۰
ظ: حذافتش (با توجه به چاپ اصفهان که حذفش است)	خدمتش	۶/۱۳۰
ظ: سانحه قتل...	سانحه و قتل عام	۱۱/۱۳۰
درین راه	در این راه	۲/۱۳۱
ظ: مقال	مقاله	۶/۱۳۲
ظ: قسمتی	قیمتی	۸/۱۳۲
برآمد	برآید	۱۸/۱۳۲
در باغ	در باغی	۶/۱۳۳
روانی است (رقص روانی نوعی رقص بوده است و در اشعار شعرای آن دوره، از جمله صائب نیز آمده است) دو بیت متن به صورت زیر از نجیب کاشانی است:	روان است	۹/۱۳۳
بی مهری یاد تو از خویش نرفتیم از گوی تو هرگز قدمی پیش نرفتیم در بحر غمت همچو حجاب از دل بی تاب آهی نکشیدیم که از خویش نرفتیم (و اگر میرزا باقر مقدم بوده، نجیب از او گرفته است. خدا بهتر می داند.)	کورانه پی مصنحت اندیش نرقتم...	۱۴/۱۳۳
عالمی دیگر (و یا در مصراع دوم، آدم دیگر بوده است)	عالم دیگر	۶/۱۳۴
بلده خرم آباد (حاشیه صحیح است)	بلده به خرم آباد	۳/۱۳۶
وز تماشای	در تماشای	آخر/۱۳۶
نمی دانند	نمی دانید	۱/۱۳۷
رنجه کرد آن	رنجه گردان	۵/۱۳۷
مرز بوم	مرز بوم	۱۳/۱۳۸
اقامت فقیران (حاشیه صحیح است)	اقامت با فقیر آن	۲/۱۳۹
قحط	ق حط	۱۲/۱۳۹
(به سبب قلت سواد این شاهان را نمی شناسم. در تعلیقات نیز توضیحی ندیدم)	سلاطین اسحاقیه گیلان	آخر/۱۳۹
به غایت تمکین	به غایت تمکین	۲/۱۴۰
رفته	رفت	۳/۱۴۰
داشت [و]	داشت	۳/۱۴۰
در اصلاح (مطابق نسخه بدل)	براصلاح	۶/۱۴۰

صواب	خطا	صفحه / سطر
ظ: ثبت نموده	ثبت نموده	۸/۱۴۰
است مرا (نسخه اساس بهتر است)	است (محال)	۱۲/۱۴۰
شاید: گر مرد	ای مرد	۱۶/۱۴۰
تسبیم	نسبیم	۹/۱۴۱
شاید چنین بوده: تا بخوانی از برون حال... ولی سفینه لطایف الخیال چنین ضبط کرده... تا بخوانی از رخم حال...	تا بخوانی از درون حال درون...	۸/۱۴۲
چون حزین اشعار را از حافظه نقل می کرده، به اشتباه افتاده است. این دو بیت از مولانا صائب است.	ره مده در خط...	۳-۲/۱۴۴
به شمع و یس از این بیت، باید "وله" بیاید	نه شمع	۳/۱۴۵
خانه ها	خانها	۴/۱۴۶
شان	شان	۹/۱۴۶
جدوار	جن وار	۱۴/۱۴۷
خلف زاید است. در چاپ اصفهان هم نیامده. یعنی: میرزا مهدی، مستوفی موقوفات میرزا محمد شفیع...	...مستوفی (خلف)	۱۵/۱۴۷
شاید در اصل، به جای غم کلمه‌ای دیگر بوده است، مثلاً: او را چه...	غم را چه...	۸/۱۴۸
عالی شان	عالی شان	۱۷/۱۴۸
آوارگی. نسخه بدل صحیح است، تیر، آواره می شود، ولی بیچاره نمی شود!	بیچارگی	۶/۱۴۹
ظاهراً کلمه‌ای دیگر بوده	می توانست	۱۴/۱۴۹
سازند	سازید	۱۴۹/آخر (حاشیه)
ظ: دمسردی	دلسردی	۱۲/۱۵۰
نازک خیال	نازکخیال	۱۰/۱۵۲
میرزا ابوالحسن تمنّا (تمناً از چاپ اصفهان افزوده شد. در بیت ششم هم تخلص خود را آورده است)	میرزا ابوالحسن	۱/۱۵۳
به یادند (به یاد اند)	بیاداند	۴/۱۵۳
معنای مناسبی از مصراع حاصل نمی شود. مصراع دوم از وحید فزونی است.	برو گردیده (۵)	۹/۱۵۴
ظ: برآیم. بعد از این بیت باید "وله" بیاید	برانم	۱۳/۱۵۴
ظ: مولانا	مولانای	۲/۱۵۵
چنین گر	چنین کز	۱۱/۱۵۵



صواب	خطا	صفحه / سطر
ظ: دستار فراغت،	دستار و فراغت	۱۲/۱۵۶
کف زنگی	کف رنگین	۲/۱۵۷
سحرکه (مانند نسخه بدل)	سحرگه	۱۸/۱۵۸
شاید: شعله باد	شعله باد	۱۲/۱۵۹
در سایه	از سایه	۲/۱۶۰
تو غم‌های	تو و غم‌های	۶/۱۶۱
شعرا بود و (مانند نسخه بدل)	شعرا بود	۱۵/۱۶۲
عظیمای نیشابوری (مانند نسخه بدل)	عظیمای نیشابوری	۲/۱۶۳
[از] محرمان	محرمان	۱/۱۶۴
سفیداب	سفید آب	۱۱/۱۶۴
ظ: سبکباران (چون سبکسار به معنی بی‌وقار و خوار و سبکسر است)	سبکساران	۱۲/۱۶۴
وله زاید است		۱۳/۱۶۶
محفلی کردم	محفلی کردم	۱۴/۱۶۶
ضبط نسخه بدل بهتر است و نیز چنین است در دیوان شاعر، و اما در دیوان نسخه بدلی آمده است که مصراع درست‌تر می‌شود:	صف مژگان...	۱۴/۱۶۶
صف مژگان برگردیده هر طرف کلاه آنجا		
ردیف سه بیت بعدی هم از اینجا باید به آنجا اصلاح شود و بهترین دلیل مقطع غزل است: گواهی اعضا در آنجا (= قیامت)		
پاکدامانی است	پاک دانا نیست	۱/۱۶۷
به صد حسرت ز کویش بازگشتم لیکن از حیرت (نسخه بدل صحیح است)	به صد حسرت..	۲/۱۶۷
پاک از	پاک از	۸/۱۶۷
تا خط (نسخه بدل صحیح است و مصراع هم از نظر وزن و معنی مغشوش نیست):	باخط	۱۱/۱۶۷
تا خط ساغر م رنگ، از خونِ بط ندارد		
یعنی تا زمانی که خط ساغر من (اشاره به خطوط جام) از شراب بی‌نصیب است (کلمه رنگ هم ایهام دارد) و به زبان ساده‌تر، یعنی تا زمانی که جامم از شراب خالی است.		

صواب	خطا	صفحه / سطر
...مأیوس	خاطر مأیوس	۱۴/۱۶۷
غلط است و صورت صحیح در حاشیه آمده: نمایم در لباس از پیکرت کام نظر حاصل (در لباس = پوشیده، پنهانی) در دیوان شاعر: ته نمایت. ته نما به همان معنی تن نماست و در آن دوره مصطلح بود.	نمایم از لباس...	۱۶۷/آخر
زیس از جوش. و در دیوان شاعر: زیس کز جوش... و همین وجه صحیح و بهتر است.	تن نمایت	۱۶۷/آخر
در دیوان: تازه گویی است و تازه رویی نسخه بدل آن گوی	زیس از [خویش]	۱/۱۶۸
محراب می‌گردد (مطابق دیوان شاعر) رسیده بود (ضبط حاشیه)	تازه رویی	۵/۱۶۸
مضمون را از مولانا صائب گرفته است: اگر چه نیک نیم، خاک پای نیکانم عجب که تشنه بمانم، سفالی ریحانم (می‌افزایم که این شاعر به عنوان همشهریگری ناخنگ بسیار به دیوان صائب زده است)	کوی	۹/۱۶۸
نیفتند	مهتاب می‌گردد	۱۶۸/حاشیه ۳
پره (۱)	رسید	۹/۱۶۹
در دیوان شاعر: ما چون کتاب مهربانانه ز ما آن مه محبوب... (ضبط نسخه بدل)	گر چه از نیکان نیم...	۱۳/۱۶۹
کز آب رفت [و] ندارم	نه افتد	۱۵/۱۶۹
از نیش (= نیش) بود (یعنی کودک بود و نیش سواری می‌کرد) این مصراع یا اختلاف یک کلمه از مولانا صائب است، یعنی: شاه می‌بخشد به خاصان، جامه پوشیده را من گشتم	بره	۱۵/۱۶۹
خشکه سرمایی (مطابق فیلم دیوان شاعر)	همچون کتاب	۲/۱۷۰
لفظ	مهربانانه زمن...	۱۰/۱۷۰
به شعر (مطابق حاشیه)	که زاب	۱۲/۱۷۰
	رفت ندارم	۱/۱۷۱
	از پیش برد	۷/۱۷۱
	شاه می‌بخشد...	۷/۱۷۳
	می‌گشتم	آخر/۱۷۳
	خشک سرمایی	۲/۱۷۴
	لفظ	۶/۱۷۴
	به شعرا	۱۴/۱۷۴

۱. در مقدمه به این بیت اشاره کرده‌ام.

صواب	خطا	صفحه / سطر
ابهام	ابهام	۱۷۴ / آخر
سابقان (متن مطابق «ت» که سابقان ضبط کرده)	سابقان	۳ / ۱۷۵
اگر وفای تو... (متن مطابق حاشیه یعنی اگر به وفای تو اعتماد نکرده‌ام)	اگر وفای تو...	۱۶ / ۱۷۵
مُلاقی (مطابق چاپ اصفهان)	ملاقاتی	۱۴ / ۱۷۶
چهره‌ای (= صورتی، گلگون)	چهره	۶ / ۱۷۷
نفروخته است کس به ترازو	نفر و خستست کس بتر از او	۸ / ۱۷۷
تدبیرها (به قرینه مصراع دوم، در دیوان شاعر که اخیراً چاپ شده است مطلع فرق دارد. ولی قوافی به همین صورت، تدبیر و شبگیر است).	تعبیرها	۹ / ۱۷۸
پتخانه سوز [و]	پتخانه سوز	۱۳ / ۱۷۹
ربط قدیم (مانند حاشیه)	ربط قویم	۴ / ۱۸۰
با کمال چِدّت و طبعی (متن مطابق حاشیه اصلاح شد و در آنجا حدّت است)	با کمال و طبعی	۱۲ / ۱۸۰
مثنوی	مثنوی	۱۳ / ۱۸۰
بیت مغلوّط نسخه "ب" شاید چنین صورت داشته است: یک کاسه بهتر است شود [گر که] احتیاج قانع به نان و آبی‌ام و شکر می‌کنم (یک کاسه = سرجمع، یکجا، سرهم)	بیت مغلوّط نسخه "ب"	۱۸۰ / سطر آخر حاشیه
ظ: اصلش از	اصل از	۸ / ۱۸۱
خاطر معنی... (مطابق حاشیه، به قرینه حقیقت، معنی بهتر می‌نماید)	خاطر [معانی]... پرتال جامع علوم انسانی	۱۳ / ۱۸۱
ظاهراً از اعتقادات عامّه بوده است که برای زود و به سلامت بازگشتن مسافر، تیری از ترکش او می‌دزدیده‌اند.	چون تیر که...	۱۰ / ۱۸۲
تنگ (والاً مطابق متن می‌شود)	تنگ	۱۸۲ / حاشیه ۴
تازه‌ای از (مطابق حاشیه)	تازه از آن	۱۸۵ / آخر
سعادت‌مندان است (مطابق حاشیه)	سعادت‌مندان	۱۴ / ۱۸۶
حالیا	هالیاً	۷ / ۱۸۷
بال و پر... (مطابق حاشیه)	بال پر...	۸ / ۱۸۷
مثل [او کسی]	مثل	۱۸۷ / حاشیه ۶

صواب	خطا	صفحه / سطر
نسخه‌ای	نسخه	۴/۱۸۹
نقش باشد	نقش ما شد	۳/۱۹۰
ظ:مقال	مقاله	۱۲/۱۹۰
جهان فانی را (مطابق حاشیه)	جهان فانی	۱/۱۹۱
توان	بتوان	۶/۱۹۱
می‌کشد پا را	می‌کشد ما را	۷/۱۹۱
ظ: بر روی...	بر روی...	۱۲/۱۹۱
فوت مدعا	فوت مدعا	آخر/۱۹۱
منت از یک (مطابق چاپ اصفهان)	منت یک	آخر/۱۹۱
بکش (مطابق حاشیه)	مکش	۴/۱۹۲
آن دست	این دست	۴/۱۹۲
شان	شان	۷/۱۹۳
مولانا صائب فرموده:	داغ عشق تو...	۱۵/۱۹۳
داغ عشقش نه چراغی است که خاموش کنند		
نمکی نیست لب او که فراموش کنند		
جناب میرزا سید رضا، بامصرع اول بیتی ساخته است! او اگر اشتباه		
نکرده باشم، شاعری دیگر با ردیف "هرگز" چنین غزلی دارد:		
این چراغی است که خاموش نگردد هرگز		
رنگ چاک (رنگ ریختن = طرح ریختن عمارت و غیر آن)	رنگ خاک	آخر/۱۹۳
طراوتی بود (مانند حاشیه)	طراوتی	۱/۱۹۵
شمه‌ای	شمه	۹/۱۹۵
به ترشیز (مانند حاشیه)	در ترشیز	۱۵/۱۹۵
خرابات است [و]	خرابات است	آخر/۱۹۵
کند. و ضبط حاشیه صحیح است:	کنده	۲/۱۹۶
دیده است ترشروبی ارباب سخا را		
دندان طمع، کند از آن رو شده ما را		
به صورتی که در متن آمده است، در اول مصراع دوم، از		
نظر معنی "که" لازم دارد.		
استراق کامل این بیت صائب است:	هر زخم کرد تشنه لب ...	۱/۱۹۷
ساخت هر زخم تو لب تشنه زخم دگر		
آب تیغ تو هم ای کان ملاحظت، شور است!		

صواب	خطا	صفحه / سطر
آزردی، ...	از روی افکندی	۴/۱۹۸
یکدست [و]...	یکدست هموار	۸/۱۹۸
شاید: خواستاری	خواستار	۷/۱۹۹
سبکباری (به قرینه "بار" اصلاح شد. واژه سبکساری = سبکسری در اینجا تناسبی ندارد)	سبکساری	۱۵/۱۹۹
کُشت	گشت	۱۷/۱۹۹
ظ: که یار	که یار	۶/۲۰۰
در طلبیت	در طلب	۳/۲۰۱
شاید: شاخ گل، یا: ماه نو	شاخ تو	۵/۲۰۱
عسگری	عسگری	۸/۲۰۱
شاید: جدوارند	جد دارند	۱۶/۲۰۱
عسگری	عسگری	۱۸/۲۰۱
شاید: شکفتگی	شکستگی	۱۶/۲۰۲
امثال [و]	امثال	۴/۲۰۴
شاید چیزی از این دست بوده: شکرستان مصدر در (جنب) بزم بیانش [بی] روشنایی	شکرستان مصر...	۶/۲۰۴
آن چشم (و نیز چنین است در چاپ اصفهان)	این چشم	۱۱/۲۰۴
افکار	افکار	۵/۲۰۵
به پیش	نه پیش	۱۴/۲۰۵
*** لازم دارد	*** آغاز صفحه	۲/۲۰۶
ستاره‌ها زاید است	بر قندگه	۷/۲۰۶
بر قندگه	بر قندگه	۱۱/۲۰۷
مسلمان	مسلمانان	۹/۲۰۸
به من (مانند چاپ اصفهان) و بیت هم مغشوش نیست.	به می	۱۰/۲۰۹
نداند دیده	ندارد دیده	۴/۲۱۰
... اطوار [و] آرمیده روزگار	... اطوار، آرمیده روزگار	۵/۲۱۲
چرب نرمی...	چرب و نرمی...	۱۲/۲۱۳
نموده،	نمود.	۳/۲۱۴
باید سِر سطر بیاید، دنباله سطر قبلی است.	مستقلانه	۴/۲۱۴
به راه تقلید	با هر تقلید	۱۲/۲۱۴
دارد.	دارد.	۱۴/۲۱۴

صواب	خطا	صفحه / سطر
زنو	زنو	آخر/۲۱۴
به حسرت (مانند حاشیه)	به حیرت	۳/۲۱۵
و جوان آراسته [ای] بود (مانند نسخه ت که به حاشیه رفته. در چاپ اصفهان نیز چنین است)	[و چون طبع آراسته بود]	۸/۲۱۵
روی... به ناز تو	روی... نیاز تو	۱۱/۲۱۵
معنای درستی ندارد. شاید بتوان احتمال داد که چیزی از این قبیل بوده: گل از گلش شکفت چو شمع از گداز تو	گل از گلش...	۱/۲۱۶
برهمدان (مانند حاشیه)	همدان	۱۷/۲۱۶
شاید: دم مردان	دم مردن	۳/۲۱۷
سیه خانه (مانند نسخه "ت" سیه خانه از سیه خیمه مصطلح تر بوده است)	سید [خیمه]	۱۰/۲۱۷
لاله داغ است (یعنی لاله آزرده خاطر است که... بر خلاف گل که شاد است چون خود را در گریبان تو ریخته است)	لاله داغی است	آخر/۲۱۷
دایره	دائره	۱/۲۱۸
(چون تخلص شاعر را اعلی نوشته بود، شاید در اینجا هم آنچه آنچنان بوده است ولی باید اعلی بر وزن مهدی تلفظ کرد)	عالی	۲/۲۱۸
آید	آمد	۲/۲۱۸
مجموعه ای	مجموعه	۵/۲۱۸
[از] خویشاوندان	خویشاوندان	۶/۲۱۸
موله	مولود	۱۱/۲۱۹
حمیده صفات (مانند حاشیه)	حمیده	۱۲/۲۱۹
با توجه به نسخه بدل و با درهم آمیختن این دو ضبط، متنی درست خواهیم داشت: لیکن غیر از این رباعی در خاطر فاطر نبود که نگارد. (از متن کتاب چنین نتیجه می گیریم که حزین اشعار دیگری هم از او به یاد داشته ولی از نوشتن خودداری کرده است)	لیکن غیر از این رباعی... نمی نگارد.	۱۴/۲۱۹
...فطری [داشت]	آزادگی فطری	۱۱/۲۲۰
بایار (مطابق حاشیه)	بریار	۱۸/۲۲۰
برآمدی و (مطابق حاشیه)	برآمدی	۶/۲۲۱

صواب	خطا	صفحه / سطر
از شیشه دل، حاشیه درست است، و الا از سینه و دل، یکی حشو است. تضاد شیشه و سنگ هم تأییدی بر مدعاست)	از سینه و دل	۱۷/۲۲۱
خود نیز	خود نیز	۲/۲۲۲
عباد	عباد	۱۰/۲۲۲
یار می آید	یار می آید	۱۰/۲۲۴
ساکن شده	ساکن شد.	۱۶/۲۲۴
نشأء...	نشأء تبریزی	۱۲/۲۲۵
فورچی	فورچی	۲/۲۲۷
مطلع [که] از	مطلع از	۶/۲۲۷
جان کن (و نیز چنین است در چاپ اصفهان)	جان آن	۸/۲۲۷
جلوه ای	جلوه ای	آخر/۲۲۷
لیل [و] نهار	لیل نهار	۸/۲۲۸
شاید: افسردگی (و) کلال (و یا: ملال)	افسردگی کمال	۸/۲۲۸
یکصد کس	یکصد کسی	۹/۲۲۸
شاید: مساعدت و یا کلمه ای نظیر آن	مسامحت	۱۱/۲۲۸

## تعلیقات

صواب	خطا	صفحه / سطر
لاهور	ماهور	۸/۲۳۰
او [بود] شد	او شد	۱۵/۲۳۰
[مراد، کاغذ ابری است]	ابری	۳/۲۴۴
بیش گیرند	بیش گیرند	۵/۲۴۴
گزیز نیست	گریز نیست	۳/۲۴۸
گو میرد	گو می رود	۴/۲۴۸
درین دشت	درین دست	۶/۲۴۸
عالم زازل	عالم زابد	۹/۲۴۸
	مصحح همه ابیات شاعر را از تذکره نصرآبادی نقل کرده ولی بیت زیر را از قلم انداخته است:	۹/۲۴۸
	محرم درد نهانم کس درین محفل نبود در میان انجمن، عمرم به تنهایی گذشت ...کنم آن سرو...	• ۲۱/۲۵۲
در سطر بالای آن باید نوشته شود، آغاز:	آغاز:	۲۲/۲۵۲
انجام:	ز چشم	۹/۲۵۳
ز جسم و جز ابیات منقول از نصرآبادی، این بیت خوب شاعر از قلم افتاده است: پیوند الفت تو چو تار نظاره است تا چشم می زنی به هم، این رشته پاره است چون اسیرشان شدی...		۸/۲۵۴
اسیرشان در مصراع بد تلفظ می شود، شاید در اصل، کلمه ای دیگر بوده است بین دو بیت باید ستاره بگذارند		۲-۱/۲۵۵
ظ: ز هوش	ز خویش	۳/۲۵۵
نگر در حریم	نگردد حریم	۴/۲۵۵
آمد فقیه [و]	آمد فقیه	۴/۲۵۵
از تمثال	اوتمثال	۳/۲۵۷
عظیم الشان (به سجع همه دان هم توجه شود)	عظیم الشان	۱۹/۲۵۸
ظ: صرف محاضره	صرف معاصر	۲۱/۲۵۸



صواب	خطا	صفحه / سطر
باید در دنبال سطر قبلی بیاید، یعنی: مذاکره نموده در هر کمال..	در هر کمال	۲۲/۲۵۸
اذکیای	ازکیای	۲۳/۲۵۸
گردیده	دیده	۲۵۸/آخر
نقض	نقص	۵/۲۵۹
ظ:به دستور قدیم نموده	دستور قدیم نمود	۵/۲۵۹
عظیم الشان	عظیم الشان	۵/۲۵۹
محارست	ممارست	۸/۲۵۹
این نیز که زنده ایم	این تیرکه دیده ایم	۴/۲۶۱
[ساروتقی] اعتمادالدوله	"اعتماد الدوله"	۲/۲۶۳
سروده هایش	سروده هایش	۱۵/۲۶۳
هزاران بیت [والا از میلیون هم بیشتر می شود!]	هزاران هزار بیت	۱۶/۲۶۳
سحاب	سراب	۲/۲۶۴
قرین خامه	قرین خانه	۳/۲۶۴
لطفعلی بیک آذر در آتشکده	لطفعلی بیک در آتشکده آذر	۱۰/۲۶۴
به زعم	به رغم	۱۲/۲۶۴
کاتبور	گاتبور	۱۱/۲۶۶
دلی همچون	ولی همچون	۲۱/۲۶۸
اشیا (با گویا قافیه شده است)	اشیاء	۱۱/۲۷۰
میرزا عبدالله (همچنان که خود حزین نوشته)	میرزا محمد شفیع	۱۹/۲۷۴
میرزا محمد شفیع، پدر بزرگ میرزا داود است		
واله	واله	۲۲/۲۷۴
قول واله داغستانی باطل است. به نوشته مجمل التواریخ، شهربانو بیگم همسر میرزا داود بوده است.	مادر وی شهربانو بیگم	۲۲/۲۷۴
ذره ای	ذره	۴/۲۷۵
ذره ای	ذره	۶/۲۷۵
شاه سلیمان دوم صفوی. مصحح، میرزا داود را با این شخص عوضی گرفته است. سید محمد فرزند میرزا داود بوده و پس از کور کردن شاه رخ مدت چهل روز با نام شاه سلیمان دوم سلطنت کرده است. سپس خود او را کور کرده اند. رک: مجمل التواریخ، تصحیح عباس اقبال.	شاه سلطان صفوی	۷/۲۷۵

صفحه / سطر	خطا	صواب
۱۱/۲۷۵	ماده تاریخ مرگش را میرزا محسن تأثیر با...	از این جمله، معنایی کاملاً متفاوت برمی آید و باید چنین باشد:
۱۶/۲۷۵	به حیرتم	ماده تاریخ مرگ میرزا محسن تأثیر را با... به حیرتم که
۲/۲۷۶	تخلص وی عشق	قول فهرست نویس خطاست.
۳/۲۷۶	آئینه	عشق تخلص میرزا عبدالله، پدر میرزا داود است.
۶/۲۷۸	در شعر	بیت سطر سوم هم به این نکته تصریح دارد: زاده عشق،
۱۰/۲۷۸	افتاد ز کف	یعنی فرزند عشق (میرزا عبدالله) (بعد در حاشیه دیدم که مصحح خود به اصلاح این اشتباه دست زده اند)
۱۴/۲۷۸	بر دیده	آینه
۷/۲۷۹	واله	از شعر
۸/۲۸۰	دایمم	افتاد به کف*
۸/۲۸۱	دلسردی	بردامن
۲۸۳/حاشیه ۴	نیم دام	واله
۳/۲۸۴	پیمانه در خون طپیدن	دایمی ام
۱۲/۲۸۴	تولد: ۱۰۵۰	دمسردی (به قرینه معنی باید دمسردی باشد اگر چه در نصرآبادی هم دلسردی است.) البته احتمال غلط چاپی منتفی نیست.
۲۰-۱۹/۲۸۴	شاه وی را (= فطرت را) به ازدواج دختر شاه نوازخان صفوی در آورد!	نیم گام
۳/۲۸۵	موسی خان	پیمانه در خون طپیدن (تپیدن)
۵/۲۵۸	کجا شدن	تولد: ۱۰۵۶ (ماده تاریخ تولد فطرت، در کاروان هند افضل اولاد زمانه آمده که برابر با ۱۰۵۶ است.)
آخر/۲۸۶	چون مذمت	جمله را چنین اصلاح می کنم: شاه، دختر شاه نوازخان صفوی را به ازدواج وی در آورد.
۱۳/۲۸۹	تازه	موسوی خان
۲۰/۲۸۹		کجا شد
		بالای آن * می خواهد
		خون مذمت
		تازه ای

\* به صورت زیر، به نام شاعری دیگر دیده ام:

در دست، سرزلف دلارام گرفتم شب بر سردست آمد و آرام گرفتم

صواب	خطا	صفحه / سطر
تسبیح	تبع	آخر/۲۸۹
مشمول است	مشمول	۳/۲۹۱
همه زاید است	همه سروها	۱۰/۲۹۱
در کپ	در گب	۸/۲۹۲
ظ: او کرده	او کرد	۲۱/۲۹۵
شاید: ورنگینی	در نگین	۲۱/۲۹۷
نهج	هنج	۸/۲۹۸
دقت پسند	وقت پسند	۱۱/۲۹۸
گلدسته بند	گلدسته بند	۱۲/۲۹۸
هر چه یابد	هر چه یابد	۱/۲۹۹
(و پس از این بیت، باید ستاره بگذارند)		
ظ: نمود (و در صفحه ۱۵۶، این مصراع به صورتی دیگر است)	نموده	۶/۲۹۹
بالای بیت باید ستاره بگذارند		آخر/۲۹۹
بالش	مالش	۴/۳۰۰
آینه در ردیف باید به آینه اصلاح شود		۶-۵-۴/۳۰۱
شراب آینه را	شراب آینه را	۵/۳۰۱
ظ: کرده آب (این بیت مربوط به غزلی دیگر است و ابیات بالا و پایین ربطی به آن ندارند، باید در میانشان ستاره گذاشت)	کرد آب	۵/۳۰۱
خون فرسود	خود فرسود	۷/۳۰۱
ظ: در شعله	از شعله	۸/۳۰۱
بین دو بیت ستاره بگذارند		۱۱-۱۰/۳۰۱
پرتیر	پرتیز	۱۱/۳۰۱
تنی است	تنی است	۱۲/۳۰۱
ناز	یار	۱/۳۰۲
در صفحه ۲۹۹ به جای آن، تکلم است	تسبم	۱/۳۰۲
افکنده	افکنده	آخر/۳۰۲
سیر چمن	سر چمن	۸/۳۰۴
ابیات اول و سوم مربوط به یک غزل است و دوم و چهارم متعلق به غزلی دیگر، باید از هم جدا شوند و بین آنها ستاره بگذارند.		۴ تا ۱/۳۰۵
قدح نوشی	قدح نوشی	۱۱/۳۰۵
تأثیری	تأثیر	۴/۳۰۷

دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷)

صواب	خطا	صفحه / سطر
مازندرانی	مازندرانی	۱/۳۰۹
حلیله	جلیله	۲/۳۰۹ آخر حاشیه
نکته رانی (به صنعتی که در قافیه به کار رفته است توجه شود)	نکته دانی	۳/۳۱۰
ظ: می‌رسانید	رسانید	۹/۳۱۰
شاید: وضعی	وصفی	۳/۳۱۱
نقش شیرین	نفس شیرین	۳/۳۱۱ آخر
نفس کوه کن (در مورد سنگین رفتن تابوت، شاعری که نامش را از خاطر برده‌ام، گفته است: زهر جسا بگذرد تابوت من، فریاد بر خیزد که آه این مرده سنگین می‌رود، پُر آرزو دند)	نفس کوه کن	۳/۳۱۱ آخر
مرگ ۱۱۳۱ (قبلاً دیدیم که میرزا داود تاریخ فوت او را: آه از تأثیر آه، سروده است)	مرگ ۱۱۲۹	۶/۳۱۷
۱۰۳۸-۹۹۶ (مصحح شاه عباس اول و دوم را با یکدیگر اشتباه کرده است)	۱۰۷۷-۱۰۵۲	۱۰/۳۱۷
۱۰۸۶	۱۰۸۱	۸/۳۱۷
۱۱۳۱ (در بالا، ذیل ۶/۳۱۷ گذشت)	۱۱۲۹	۸/۳۱۹
باید که	آمد که	۲/۳۲۰
قطعه‌ای	قطعه	۱۹/۳۲۱
زبان گزیده	زبان گزیده	۷/۳۲۷
تنگ شکر	تنگ شکر	۶/۳۲۸
بشکند	بشکند	۲/۳۲۹
مرد همواره	مرد همواره	۱۴/۳۳۰
نو برده است	نو برده است	۵/۳۳۲
بین دو بیت ستاره بگذارند		۱۱-۱۰/۳۳۲
وزن مختل است. "مانند دولت آبی" و یا چیزی از این دست بوده است.	می‌آبی همچو دولت...	۱۱/۳۳۲
یکقلم	یک قلم	۸/۳۳۳
و زاید است	لاله زار و	۱۶/۳۳۳
گلت	کلکت	۱۶/۳۳۳
ظاهراً خوانی زاید است و همان خالی بوده که تکرار شده: در انشای نظم، خالی از قدرت و لطفی نبوده.	نظم خوانی خالی از	۲۲/۳۳۵
ولد	والد	۱۱/۳۳۶
حباب	حبات	۵/۳۳۷

صواب	خطا	صفحه / سطر
قصیده‌ای	قصیده	۶/۳۳۸
مناسبت	مناسب	۸/۳۳۸
ابتدای	ابتدا	۹/۳۳۸
دارین	در این	۱۴/۳۳۸
؟ زاید است	نیست؟	۳/۳۳۹
بعد از بیت باید ستاره بگذارند		۳/۳۴۰
گره یا گرهی (نیز معنای درستی ندارد. شاید در مصراع تحریفی روی داده باشد. به چاپ اخیر دیوان شاعر مراجعه کردم ولی بیت را در آن ندیدم.	گره‌ای	۵/۳۴۰
گویند مشو	گویند مشو	آخر/۳۴۱
و؟ که علامت شک در صحّت است و باید در پرانتز گذاشته شود(؟) از آخر مصراع حذف گردد. بیت اشاره به بند آوردن خون با استفاده از تار عنکبوت دارد.		
امروز، امروز [و] نیز تواند بود.	امروز	آخر/۳۴۲
پس از بیت ستاره بگذارند		۵/۳۴۲
می زند	می زنند	۶/۳۴۲
گر چنین	کز چنین	۶/۳۴۲
مرا اگر	مراگر	۱۴/۳۴۲
هنر فر	هنر فرد	۱۲/۳۴۵ حاشیه
گزارده‌اند	گذارده‌اند	۱۵/۳۴۵ حاشیه
معنی را از صائب اخذ کرده است:	لب خود را...	۱۵/۳۴۶
می کنی رجم به دلسوختگان ای لب یار		
گر بدانی که چه مقدار مکیدن داری		
به زهر	به زیر	۲/۳۴۷
گر آن	گران	۴/۳۴۷
می کند (ردیف هر دو بیت باید به «می کند» اصلاح شود	می کنند	۴/۳۴۷
این آینه	وین آینه	۸/۳۴۷
بعد از بیت ستاره بگذارند		۱/۳۴۸
زنگ است	رنگ است	۵/۳۴۹
آینه من	آینه من	۵/۳۴۹
ببیند (ردیف، ببینداست)	نبیند	۳/۳۵۰

صواب	خطا	صفحه / سطر
مغنیه‌ای	مغنیه	۱۶/۳۵۲
[وعدۀ] پنج هزاری	پنج هزاری	۲۰/۳۵۲
خطابی	خطای	۱/۳۵۳
به بهانه	بهانه	۲/۳۵۳
کبریا	گیریا	۱۵/۳۵۳
ظ:جنس	حس	۵/۳۵۴
خامه	خانه	آخر/۳۵۴
زبی، (و علامت؟ از آخر بیت برداشته شود ← ۳۴۱/ آخر)	زبی	۱/۳۵۵
ظ: سخا (= تخلّص شاعر)	رضا	۲/۳۵۵
"رباعیهایی است در بی معنی بودن سروده‌های حافظ (!) از او و دیگران" آیا واقعاً چنین مطلبی حقیقت دارد؟ پس از بیت ستاره بگذارند		۷-۶/۳۵۶
همچو	همچه	۱۳/۳۵۸
بود زمرگ، غم اهل این زمانه...	بود زمرگِ غم اهل دین زمانه...	۱۴/۳۵۸
به کُنج	به گنج	۱۷/۳۵۸
شان...	شأن خویش	۲۰/۳۵۸
منسوبان	منصوبان	۲۰/۳۵۹
باتمام	به اتمام	۲۳/۳۵۹
استوار [و]	استوار،	۲۴/۳۵۹
گرفته، تمامی	گرفته تمامی،	۱/۳۶۰
علاقه بندی	علاقبندی	آخر/۳۶۰
احیاناً: بیتی	شعری	۲/۳۶۲
عسگری	عسگری	۶/۳۶۳
شاعر در سال ۱۰۴۴ متولد شده و در آن زمان چند سالی از سلطنت شاهجهان (پسرجهانگیر) گذشته بوده است. پس قول خوشگو اعتباری ندارد. ولی مدح شاه سلطان حسین - گفته هر که باشد- درست است.	در زمان جهانگیر به هند رفت (!)... قصاید بسیار در مدح شاه سلطان حسین صفوی گفته است.	۱۶/۳۶۴
خوشگو	صاحب خوشگو	۶/۳۶۵
و اگر سخت نگیریم: صاحب سفینه خوشگو		

صواب	خطا	صفحه / سطر
چه کند	چکند	۱۲/۳۵۶
...هست	تماشایی نیست	آخر/۳۶۵
	مقدمات دیوار سک... (?)	۸/۳۶۶
نمانده است	نماند است	۱۱/۳۶۷
پس از بیت ستاره زده شود		۱۵/۳۶۷
تذکره نصر آبادی، میرزا...	نصر آبادی، میرزا محمد طاهر...	۳۶۷/ حاشیه
چو شود	چه شود	۱/۳۶۸
گشته بود	گشته بود	۷/۳۶۸
جاده، وجود	جاده وجود	۸/۳۶۹
که زاید است	زیرکه	۴/۳۷۱
خاطری را	خاطرم را	۹/۳۷۴
شاید: در دیده افسر را	در دیده افسر	۱۲/۳۷۴
گردید [به]	گردید	۱۶/۳۷۵
گره	گره	۷/۳۷۶
(صائب به این بیت صله نمی‌داده، چون مصراع دوم با اندکی اختلاف از خود اوست:	دایه در رنج...	۸/۳۷۶
کُل به خون غوطه‌خورد، جز و چو افگار شود		
دایه پرهیز کند، طفل چو بیمار شود		
ظ: افکند	افکنده	۲/۳۷۷
بال صبا	باد صبا	۳/۳۷۷
غمزه‌اش	غمزه‌ای	۸/۳۷۷
نکشم	بکشم	۱۱/۳۷۷
شست	شصت	۹/۳۷۸
وزن مختل است. به جای چون تو، باید	هر که در بزم چون تو مزه... (پایان جامع علوم انسانی و مطالع)	۱۳/۳۷۸
کلمه‌هایی نظیر خیالت، وصالت... باشد		
پریشانی ترا (تو را)	پریشانی مرا	۲/۳۷۹
ظ: شوی	شود	۴/۳۷۹
ساقیا	ساقیان	۱۵/۳۷۹
ظ: که باز آلوده سازندم - به احتمال ضعیف، به	که ما را بوده سازندم	۳/۳۸۰
جای آلوده، می‌تواند آسوده هم باشد؟ از		
آخر بیت حذف شود.		
تاکی [سراغ] یار	تاکی... یار	۴/۳۸۰
داغم	دانم	۱/۳۸۱

صواب	خطا	صفحه / سطر
ظ: [در] گذشته	گذشته	۱۳/۳۸۳
رد مکن	رو مکن	آخر/۳۸۳
جرگ	جرک	۲/۳۸۴
کاسه چشمم	کاسه چشم	۴/۳۸۴
ار آرزوی	از آرزویی	۹/۳۸۵
ظ: از آتش	ز آتش	۱۰/۳۸۵
ظ: خوبان چون کباب	خوناب کباب	آخر/۳۸۵
بیداذخوبان	بیداد خوبان	۱/۳۸۶
خط سیاه	خط سیاه	۱۰/۳۸۸
ظ: اعتاب مقدسه	عتاب قدس	۱۳/۳۹۰
(با توجه به مندرجات سطر بالا، ذکر منابع زاید است)	منابع	۱۷/۳۹۱
زاید است	منابع	۱/۳۹۲
نشأه	نشاء	۱۱/۳۹۲
نشأه	نشای	۲/۳۹۳
نشأه	نشای	۴/۳۹۴
نشأه - نشأه	نشاء - نشأه	۷/۳۹۴
نشأه - نشأه	نشأه - نشأه	۹/۳۹۴
نشأه، زاد	نشأه زاد	۱۳/۳۹۴
ظ: شود از	شود در	۳/۳۹۵
نشأه	نشأه	۱۳/۳۹۵
عمدا... بر دم	عمداً... بر دم	۱۶/۳۹۶
نشأه... نشأه	نشأه... نشأه	۱۸/۳۹۶
نشأه	نشأه	۱۹/۳۹۶
نشأه... نشأه	نشأه... نشأه	۳-۲/۳۹۷
زاید است	منابع	۲۰/۳۹۷



## کتابشناسی تذکره حزین

صواب	خطا	صفحه / سطر
آتشکده، لطفعلی بیگ آذربیکدلی (در اول ذکر آذر لازم نیست)	آتشکده آذر، لطفعلی بیگ آذربیکدلی.	۳-۲/۴۱۹
دائرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب آدمیت دوم زاید است. محمدالمدعو...	دائرةالمعارف مصاحب، غلامحسین مصاحب (رکن زاده آدمیت) آدمیت. محمدالموعد...	۹/۴۲۱ ۱۱/۴۲۱ ۲/۴۲۲
تصحیح عابد رضا بیدار محل و تاریخ چاپ داده نشده. شاید رساله دکتری بوده است. نام آن «فرهنگ فارسی» است. فهرست نسخه‌های خطی فارسی تنها سال چاپ داده شده است و مشخص نیست چه جلدهایی هستند.	مصحف ابراهیم...  فرهنگ فارسی معین، محمد معین	۶/۴۲۳  ۱۷/۴۲۳ ۲۳/۴۲۴ و آخر
دهخدای اولی زاید است. مینودن، یا باب...	لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا. مینو دریا باب...	۷/۴۲۵ ۷/۴۲۶

## فهرست مقالات

صواب	خطا	صفحه / سطر
بعد از نام خانوادگی باید ویرگول (،) گذاشته شود و پس از نام کوچک؛ و این ترتیب را همه جا رعایت نکرده‌اند. مثلاً: تربیت، محمدعلی یک صفحه... به جای: تربیت، محمدعلی؛ یک صفحه... مجموعه منشآت	مجموع منشآت دستگردی، وحید	۴۲۷ ۴/۴۲۷ آخر/۴۲۷
وحید دستگردی، حسن. و باید در حرف «واو» بیاید.	ایضاً دستگردی، وحید	۱/۴۲۸
طاهری شهاب نشأ:	طاهری، شهاب نشأ:	۴/۴۲۸ ۴/۴۲۸
نقطه زاید است. در این صفحه جز در سطر ۶ کیوان (= کیوان)، مجتبی: تا به آخر جلو اسامی کوچک باید گذاشته شود.	طاهری، شهاب	۵/۴۲۸

دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷)